

چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۰
۱ صفر الحرام ۱۴۴۳ • ۸ سپتامبر ۲۰۲۱
شماره ۸ • ۳۲۷۶ صفحه

متن میثاق نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

اصغر فرهادی: تحمل این همه خبر بد را ندارم

اصغر فرهادی که برای نخستین نمایش فیلم جدید «قهرمان» در آمریکای شمالی و در جشنواره فیلم «تورایید» حضور داشته در مصاحبه ای با نشریه هالیوود ریپورتر شرکت کرده‌است. داستان فیلم «قهرمان» درباره مردی به نام رحیم است که به دلیل بدهی در زندان به سر می برد اما تصمیم او برای بازگردانن کیفی پر از سکه طلا، شهرت خوبی برای زندان و او ؛ در شبکه های اجتماعی ایجاد می کند اما مثل همیشه ماجرای پشت شخصیت اصلی داستان، پیچیده تر از این مرد خوب در شبکه های اجتماعی است. داستانی که فرهادی با مشاهده ظهور و سقوط بسیاری از قهرمانان روزانه، تصمیم به روایت آن گرفت. اصغر فرهادی کارگردان برنده اسکار ایرانی که در فیلم جدیدش «قهرمان» نقدی جدی بر شبکه های اجتماعی داشته درباره دلیل عدم استفاده از فیس بوک و اینستگرام می گوید: «این شبکه های اجتماعی زمان زیاد می گیرند و از نقطه نظر احساسی، شخصی نیستیم که بتوانم این حجم از اخبار بد را جذب کنم».

او ادامه داد: «جازه نمی دهیم افراد دیگر کار اشتباه انجام دهند نکته ای که برای من جالب بود این است که برخی از آدم های معمولی اقدام به انجام برخی کارهای بشردوستانه در مقطعی از زندگی شان می کنند و مردم انتظار دارند آن فرد در تمام عمرش همانقدر بشردوست و خیرخواه باشد و گذشته و آینده وی را انکار می کنند. نمی گویم افراد باید کار بد و اشتباه انجام دهند اما هر فردی برای این که یک بشر باشد ناگزیر اشتباهاتی دارد».

فرهادی پیش از این با دو فیلم «جدایی» (۲۰۱۱) و «فروشنده» (۲۰۱۶) موفق به کسب جایزه اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان شده و فیلم «جدایی» در جشنواره فیلم کن برنده بهترین فیلم بین المللی (فیلم غیر انگلیسی زبان)، بلکه در شاخه های بهترین کارگردانی و فیلمنامه نیز برای موفقیت فیلم جدید فرهادی تلاش می کند.

فرهادی همچنین درباره عدم حضور در مراسم اسکار ۲۰۱۷ نیز به هالیوود ریپورتر توضیح داد: «ما با توزیع کننده فیلم در آمریکا صحبت کردیم و قرار شد در مراسم اسکار شرکت کنیم اما ممنوعیت سفر از کشور مسلمان از جمله ایران به آمریکا را که از سوی «دونالد ترامپ» رئیس جمهور وقت آمریکا صادر شده بود را یک بی احترامی به مردم ایران و دیگر کشورها دانستم. این موضوع که من می توانستم به آمریکا سفر کنم و دیگران نمی توانستند احساس بدی به من القا کرد و به مدت دو شب بر روی یک بلیتیه کار کردم که تنها به موضوع ممنوعیت ورود مسلمانان مرتبط نبود، بلکه به ایران، آمریکا و هر جایی مرتبط بود که مردم را با بسته بندی از یکدیگر جدا می کنند»این کارگردان ایرانی با اشاره به این که از فرصت ایجاد شده به دلیل توقف تولید فیلم «قهرمان» به سبب همه گیری ویروس کرونا در ایران برای انجام تغییراتی بر روی فیلمنامه استفاده کرده، درباره آمار بالای مرگ و میر در ایران بر اثر ابتلا به ویروس کرونا گفت: «مردم این وضعیت را فراموش نمی کنند و این شرایط بسیار ناراحت کننده ای است و هر روز شما فقط خبر بد می شنوید و امید به تغییر این وضعیت نیست». فرهادی که قرار است فیلم بعدی اش را خارج از ایران بسازد در پاسخ به سوالی درباره این که فیلم هایش بدون محدودیت ها چگونه می شدند نیز گفت: «خیلی چیزها فرق می کرد. نمی توانم دقیقاً بگویم اگر کاملاً آزاد بودم فیلم هایم چه شکلی می شد، اما می دانم که متفاوت می شدند چرا که ذهنم آزادتر بود. زمانی که برای سالها روی یک جاده ناهموار قدم می زنید، قدم زدن شما نیز شبیه ای جاده ناهموار می شود و وقتی وارد یک جاده صاف می شوید مدتی زمان می برد تا دیگر به شکل معمول قدم بزنید. بنابراین نمی توانم به شما بگویم قطور روی یک جاده صاف و هموار قدم میزنم اما می دانم که آسان تر خواهد بود.»

«بلموندو» در فیلم «از نفس افتاده» در نقش یک سارق حرفه ای خودرو، قاتلی بی اخلاق و عاشق یک مهاجر آمریکایی که نقش آن را «جین سبیرگ» ستاره هالیوود بازی می کرد، با لقب «همفری بوگارت» فرانسوی شناخته شد و بسیاری نیز او را چیزی بین «بوگارت» و «جیمز دین» توصیف می کردند.

او که در ۸۸ سالگی شامگاه گذشته از دنیا رفت، با بینی بوکسوری، موهای پُرپشت و لبخند محجوبش، معمولاً در نقش شخصیت های پروا و سرسخت فرانسوی بازی می کرد و در طول شش دهه فعالیت در سینما در بیش از ۸۰ فیلم از آثار هنری سینماگرانی چون «ژان لوک گدار»، «فرانسوا تروفو»، «آلن رنه»، «کلود سوته» و «ژان-پیر مولین» بازی کرد و علاوه بر آن در تعداد زیادی فیلم اکشن نیز مقابل دوربین رفت که بدلقاری های نقشش را نیز خودش انجام می داد.

«بلموندو» در سال ۱۹۸۹ برای بازی در کمدی-درام ساخته «کلود لولوش» با عنوان «سفرنامه ای از یک کودک لوس» جایزه سزار بهترین بازیگر را دریافت کرد، اما از پذیرفتن این جایزه امتناع کرد چرا که جایزه سزار توسط یک هنرمند معروف به نام «سزار بالداجینی» طراحی شده بود که هرگز کار پذیرا نبودند – یک مجسمه ساز بود– را به رسمیت نشناخته بود.

این بازیگر در سال ۲۰۰۱ دچار یک سکنه شدید شد که سمت راست بدنش را فلج کرد و حتی به مدت شش ماه قادر به صحبت نبود، اما او با این وجود در دو فیلم دیگر ظاهر شد که شامل نقش اصلی فیلم «یک مرد و گشش» (۲۰۰۹) بازسازی فیلم «کلاسیک نورتلایستی «اومبرتو دی» ساخته «وینتوریو دسیکا» بود. این سینماگر در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۱ یک نخل طلای افتخاری دریافت کرد و در سال ۲۰۱۶ نیز شیر طلایی افتخاری جشنواره فیلم ونیز را به خانه برد و در سال ۲۰۱۷ نیز در حالی جایزه سزار افتخاری دریافت کرد که روی صحنه تعداد زیادی از ستاره های سینمای فرانسه او را همراهی کردند.

«بلموندو» در سال ۲۰۱۶ و در حالی که ۸۵ سال داشت در مصاحبه ای با مجله «فریم» در مورد حرفه خود گفت: «این شانس را داشتم که جزو آن دسته از بازیگرانی باشم که در انواع ژانرها بازی کردم، از فیلم های روشنفکرانه موج نو گرفته تا کمدی های خنده

روزنامه

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمائزاده شمالی

پلاک ۳۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:

info@emtiazdaily.ir

تلفن: ۶۶۵۹۳۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

درباره ستاره «از نفس افتاده» سینما



دار و واقعاً پشیمان نیستیم».

«ژان پل بلموندو» در ۹ آوریل ۱۹۳۳ در محله ای مرفه نشین در خارج از پاریس متولد شد. آثار پدرش را می توان در باغ توپلری در نزدیکی لوور و در نمای اپرای پاریس یافت. بلموندوی جوان دوچرخه سوار و دروازه بان مشتاق فوتبال بود که در سال ۱۹۷۰ یکی از بنیانگذاران تیم فوتبال پاری سن ژرمن نیز بود. او همچنین در دوران نوجوانی به صورت حرفه ای بوکس کار می کرد و در ۹ مبارزه، چهار برد و یک تساوی به دست آورده بود.

در ۱۶ سالگی تصمیم گرفت بازیگر شود و سرانجام در کنسواتوار معتبر درام پاریس پذیرفته شد، جایی که با دوستان دیگر کوزاخ جملہ «ژان روشفور»، «ژان پیر ماربل» و «برونو کرم» آشنا شد. او در سال ۱۹۵۶ فارغ التحصیل شد اما پس از آنکه هیت داوران کنسرواتوار از اعطای نشان به وی خودداری کرد، از رسیدن به سالن نمایش کمدی-فرانسز پاریس محروم شد.

پس از ایفای نقش های کوتاه در فیلم هایی چون «گناهکاران جوان» از «مارسل کارن» (۱۹۵۸) و «یکشنبه خنده دار» (۱۹۵۸) نقضی در فضای بازیگری ام بدهم و «گاندو» اولین سریال جدی گرفته سینمای فرانسه همراه شد در سومین «اثر کلود شابرول» که یک درام جنایی به ندرت دیده به نام «تور دونفره» (۱۹۵۹) بود، حضور داشت و همچنین در فیلم کوتاه «شارلوت و دوست پسرش» (۱۹۶۰) ساخته «ژان لوک گدار» بازی کرد.

اما با بازی در فیلم «از نفس افتاده» به کارگردانی «گدار» بود که «بلموندو» را در

فرانسه و خارج از کشور به اوج شهرت رساند. «بلموندو» در کنار «جین سبیرگ» در نقش گانگستری حیلہ گر به نام «میشل پوکارد» بازی می کرد که از روی شخصیت «همفری بوگارت» مدل برداری شده بود، درست همانطور که «گدار» فیلم های عصر طلایی هالیوود را با ساختار شکنی به یک اثر جسورانه جدید و مدرن تبدیل می کرد.

سیگارهای پی در پی و صحبت مستقیم با دوربین، اجرای سرزنده، بامزه و فیزیکی «بلموندو» در این فیلم نه تنها یکی از برجسته ترین کارهای حرفه ای او شد بلکه فیلم «از نفس افتاده» را به یکی از تأثیرگذارترین فیلم های تاریخ بدل کرد.

او در سال ۱۹۶۰ در یک فیلم دیگر نیز بازی کرد که در سالیهای بعد به اثری موفق در سینمای فرانسه تبدیل شد؛ اولین فیلم بلند «کلود سوته» با عنوان «همه خطرات را در نظر بگیرید» که در آن «بلموندو» در کنار «لینو ونتورا» ظاهر شد.

از دید عموم مردم، «بلموندو» نماینده موج جدیدی از بازیگران با ویژگی های معمول و محبوب بود. او سالها بعد گفت: «انقلاب «از نفس افتاده» این بود که بازیگر نقش اصلی و

جوان آن زیبا به نظر نمی رسید». او راه برای ستاره هایی با ظاهر معمولی مانند «ابرت دنیورو»، «آل پاجینیو» و «داستین هافمن» هموار کرد که در فیلم های هالیوودی دو دهه بعد نقش پررنگی ایفا کردند.

او در ادامه در بیش از ۳۰ فیلم از فیلمسازان سرشناس بازی کرد: «هفت روز ... هفت شب» از «پیتر بروک» (۱۹۶۰) ؛

سام نوری مطرح کرد؛

سباستین «گاندو» چگونه شکل گرفت؟

باهوش است و تمام جزئیات را با دقت می بیند و تحلیل می کند. نمره قبولی «گاندو» هم بر این اساس بالا بود و مخاطب تا نود درصد برایش باورپذیر بوده که چنین اتفاقاتی در کشور رخ داده است.

این بازیگر با اشاره به علاقه مخاطبان به نقش خود هم عنوان کرد: مخاطب بیشتر درگیر این بود که رابطه ام در قصه با شارلوت چگونه است و می پرسیدند رایزن فرهنگی سفارت فرانسه چرا باید باج بدهد؟

وی درباره پرطرفدار بودن ژانر جاسوسی نیز عنوان کرد: خود من سریال های جاسوسی را خیلی دوست دارم البته بیشتر خارجی دیده ام و برای من ژانر جذاب و به روزی است. یکی از دلایلی که «گاندو» هم مورد توجه قرار گرفت از همین حیث بود. بازیگر سریال «گاندو» اضافه کرد: نیاز به همه ژانرها از کمدی تا جاسوسی و حتی کودک و درام در جامعه وجود دارد ما تجربیات مختلفی داریم که باید به مخاطب برسانیم و آنها را می توان از طریق ژانرهای مختلف منتقل کرد.

ژانر کمدی و جاسوسی در روزهایی که تحمل تراژدی نیست بازیگر سریال های کمدی «لیسانسه ها» و «در حاشیه» با اشاره به تمایل مردم در این روزها برای تماشای برخی از ژانرها عنوان کرد: ممکن است در جوامعی به دلیل اتفاقات مختلف یک ژانر ارجحیت پیدا کند یا کمتر رغبت به آن باشد، امروز به دلیل چالش های اقتصادی مردمی که روزانه از دست می روند و غمی که در آن ها نشسته است شاید دیگر تحمل دیدن یک تراژدی دیگر نباشد و مخاطب بخواهد بیشتر کمدی ها را ببیند.

وی اضافه کرد: هوشمندی سیاستگذاران است که بتوانند ژانرهای دیگری را در این فضا جایگزین کنند. شاید ما توان دیدن تراژدی را نداشته باشیم اما کمدی و حتی فضای جاسوسی می تواند دلنشین باشد چون مخاطب را از فکر و خیال در می آورد.

کارگردان کسی را که فقط یک ماسک داشت از صحنه بیرون می کرد. نوری درباره سختی کار در این سریال در شرایط کرونا توضیح داد: خیلی سخت و کاری پر لوکیشن بود که ما در گرما و سرما باید در حال کار می بودیم. جواد افشار نسبت به کرونا اصلاً شوخی نداشت، بچه های پشت صحنه همیشه دو تا ماسک داشتند و خود ما هم با یک فاصله یک متری به گونه ای که در قاب تلویزیون به نظر می رسید به هم نزدیک هستیم بازی



می کردیم جز قسمت هایی که در ماشین نشسته بودیم و با ناچارا باید نزدیک هم می بودیم. با این حال آقای افشار خودش نظارت مستقیم روی پروتکل ها داشت و ملاً کسی را که یک ماسک داشت از صحنه بیرون می کرد. به دلیل همین مراقبت ها هم بود که سر سریال فقط یک نفر مبتلا شد که آن هم در مرخصی و در سفر شخصی مبتلا شده بود.

وی در ادامه با اشاره به حضورش در شبکه خانگی و سینما گفت: این روزها یکی دو مجموعه هم در شبکه نمایش خانگی دارم که یکی از آنها کار مرتبط با کودک است و برای خودم جالب بود. همچنین در فیلم «قاتل و وحشی» به کارگردانی حمید نعمت الله حضور داشتم که دیده نشده است.

تحول در صنعت سینمای ایران با «قاتل و وحشی» نوری درباره ویژگی های این فیلم توضیح داد: آقای حمید نعمت الله خیلی برای این فیلم رحمت کشید و پشت مانیتور از فشار و استرسی که در ساخت فیلم به او وارد می شد عرق می ریخت. فکر می کنم با این همه زحمت و تلاشی که برای فیلم صرف شده است وقتی اکران شود تحولی در سینمای ایران خواهد بود به ویژه که ما در ژانر وحشت فیلمی نداشته ایم که به این صورت جذاب باشد.

این بازیگر در پایان درباره سختی های این فیلم نیز عنوان کرد: گریم هایی داشتم که خیلی به حس و حال ما در فیلم کمک کرد و برخی از این گریم ها اجرایش بیشتر از یک ساعت بود. بابک اسکندری طراحی چهره و گریم این فیلم را بر عهده داشت و ابتدا برای هر یک از نقش ها یک ماکت ساخت تا بتواند گریم های مختلفی داشته باشند.

می پردازد که اثرات ناشی از آن، بیشترین آسیبش برای کودکان بی گناه سرزمین های مشرق زمین است. سایر عوامل فیلم عبارتند از نویسندگان: حسین بابائیان، محسن یاراحمدی، مدیر امور پس از تولید: پیمان جاسمجدی ، مدیر تصویربرداری: جواد کسان، صدابردار: علی فضلی، تدوین و صداگذاری: پیمان شاه محمدی، گریم: سیده فرناز مرتضوی، منشی صحنه: فاطمه حوری نژاد، مکاس: کیمیا غفاری، مدیرتولید: مسعود دوی، دستیار اول کارگردان: میلاد حسینی، اصلاح رنگ و نور: فرید جلالی، مجری طرح: محمدرضا جهانگیر تاج.

یک فنبان جای داغ

از «پیش خوانی» در ماه صفر چه می دانیم؟

پرداخت کامل به آواها و نواهای مرتبط با ایام سوگاری شهادت حضرت سیدالشهدا در گذرگاه تاریخ به طور حتم نیازمند بررسی های همه جانبه ای است که انعکاس آن در گزارش های رسانه ای طبیعتاً فقط محدود به بازتاب چکیده ای از این اقیانوس بیکران می شود.

شرایطی که اگرچه در این سال ها به دلیل بعضی نگاه های تحریف یافته، غیر علمی و ممزوج یافته با برخی دیگر از گونه های موسیقایی توسط بعضی از آواگران و ذاکران حسینی به سمت و سوی دیگری رفته و خوب یا بد با استقبال مخاطبان نیز مواجه شده، اما می تواند نمایشگر قدرت و عظمتی باشد که این نوع موسیقی ها به واسطه الهام از حماسه عظیم و تا بد ماندنی عاشورا و البته نبوغ و استعداد مثال زدنی هنرمندان ایرانی دربرگیرنده ابعاد متنوع و جذابی هستند که گوش هر شنونده ای را نوازش می کند، و ای کاش تعداد بیشتری از ذاکران، نوحه خوانان و روایان موسیقایی این بخش مهم از تاریخ در خوانش آنچه به عزاداران و ارادت مندان حضرت سیدالشهدا (ع) ارائه می دهند، از این گنجینه گرانبها بهره مند شوند.

آنچه در این گزارش پیش روی خوانندگان قرار گرفته، فقط بخشی از اقیانوس بیکران موسیقی نواحی ایران در حوزه نواها و نغمات مذهبی است که بخشی از آن با تکیه بر ملاحظات و روایت مکتوب جهانگیر نصری اشرفی از پژوهشگران و نویسندگان شناخته شده موسیقی نواحی ایران در مجموعه صوتی و پژوهشی «موسیقی مذهبی شیعیان ایران» که چند سال گذشته توسط نشر «ماهور» به مدیریت محمد موسوی منتشر شده، به رشته تحریر در آمده و هم اکنون با اجازه ناشر در دسترس مخاطبان قرار می گیرد.

«پیش خوانی» یک هنر در حال انقراض اما بسیار ارزشمند
در پنجمین روایت از این نوشتار رسانه ای تلاش شده تا ضمن ارائه توضیحاتی اجمالی از گونه «پیش خوانی» به عنوان یکی از نواهای مهجور و در حال انقراض نواهای آیین به ارائه نمونه هایی از آن نیز پرداخته شود. این مجموعه لحن ها و قطعات مورد استفاده مشتمل بر قطعاتی از نوحه ها و پیش خوانی های رایج در چند شهر کشور است.

جهانگیر نصری اشرفی درباره مقوله «پیش خوانی» توضیح داده است: «پیش خوانی ها به طور مستقیم با تغییر متن و اشعار، از تصانیف رایج موسیقی ردیفی اخذ شده اند و با تعزیه خوان های مبدع چنین آهنگ هایی را مبتنی بر تصنیف های ردیفی خلق کرده اند. پیش خوانی از چند دهه پیش منسوخ شده و در تعزیه خوانی های کنونی مورد استفاده قرار نمی گیرند. وی با تعریف مختصری از پیش خوانی گفته است: پیش خوانی آوازی با متر معین و تصنیف گونه است که در گذشته پیش از آغاز مجالس تعزیه، به خاطر اعلام آغاز شبیه خوانی در فراخوانده مردم به تماشای آن، بر روی بام های بلند و گاه به صورت سیار در کوچه پس کوچه های آبادی ها و محله ها اجرا می شد. این گونه نغمه ها مأخوذ از تصنیف ها و ترانه های متداول بوده و اشعار آنها به فراخور مضامین تعزیه تصنیف می شده است.

شرایط اجرای «پیش خوانی» در مجالس تعزیه خوانی
این پژوهشگر در توصیف شرایط اجرای «پیش خوانی» معتقد است: در جریان شکل گیری و تکامل تعزیه، علاقه به اجرای پیش خوانی ها منجر به پیدایش تصانیفی بدیع و پر تعداد شد. پیش خوانی ها از نظر نحوه اجرا، مکان اجرا، مجریان و موقعیت کاربرد آنها نسبت به هم متفاوت بودند. از همین رو این گروه از الحان در برخی مناطق به صورت انفرادی و در برخی دیگر از نواحی تعزیه خیز به صورت گروهی به اجرا در می آمد. شرایط سنی مجریان نیز با چنین تفاوت هایی روبه رو بوده و گاهی دختران نابالغ در همسرایی های پیش خوانی مشارکت می کردند.

مکان اجرای پیش خوانی نیز با تفاوت هایی همراه بود، بنا بر مسائل فوق این جز از تعزیه در نواحی مختلف حتی از ناهای گوناگونی، چون پیش اجرا، پیش واقعه، نوحه، شور حسینی، نوحه عمومی، نوحه اخوار، کله پشت بامی و غیر برخوردار بوده و ضمن تفاوت در عنوان، با اختلافاتی در نحوه و شکل اجرا نیز همراه بودند.

فرم اجرایی پیش خوانی عموماً از دو شکل مشخص برخوردار بود، یک نوع از پیش خوانی از آغاز تا انجام آن، به صورت همسرایی به هم خوانی دسته جمعی اجرا می شد، در اجرای دوم یک نفر به عنوان سرخوان پیش اصلی و عمده اشعار را اجرا نموده و گروهی دیگر در ترجیع بندها و یا گوشواره های شعر با سرخوان همراهی نموده و به مبادله آوازی می پرداختند.

لازم به ذکر است که پیش خوانی هایی که متن آنها در رثا یا وصف مصیبت هریک از امامان و اولیا و اهل بیت باشد با نام افراد مذکور نامگذاری می شود، به طور نمونه، پیش خوانی هایی چون پیش خوانی امام، پیش خوانی حر، «پیش خوانی مسلم»، «پیش خوانی ابوالفضل» در رثای شخصیت های داشته و وصف آلام، ستم ها و رنج هایی است که افراد مذکور متحمل شدند.

«پیش خوانی عمومی» در بر گیرنده چه مفهومی است

متن برخی از پیش خوانی ها روایت ماه محرم، وقایع صحرای کربلا و مضامینی عام در ارتباط با رویدادها و سرگذشت امام بوده و به همین دلیل با عنوان پیش خوانی عمومی شناخته می شدند. این نوع پیش خوانی ها جهت همه مجالس تعزیه مورد استفاده قرار می گرفتند.

البته برخلاف پیش خوانی هایی که به نام افراد و یا به موضوع خاصی اختصاص داشتند، تنها در همان مجالس تعزیه کاربرد داشته اند. به طور مثال پیش خوانی امام فقط در مجلس تعزیه شهادت امام مورد استفاده قرار می گرفت.

افتتاح نمایشگاه تعزیه «شبیهِ حسین (ع)»؛

از سپر با پوست کرگدن تا نذرهای نظامی

تئاتر ایران از داشتن موزه ای دائمی محروم است و در تمامی حوزه های خود با فقدان این مهم مواجه است. البته، مجموعه دارانی شخصی وجود دارند که با دغدغه و علاقه مندیی به تئاتر اسنادی را که یک خصوص گردآوری و نگهداری می کنند ولی مکانی برای ارائه آن ها وجود ندارد. وجود موزه و ارائه اسناد مختلف علاوه بر ارائه روند و تاریخ تئاتر در ایران، امکان پژوهش و بررسی دوره های مختلف تئاتری کشور را میسر می کند که متأسفانه مدیریت کلان فرهنگی به این امر توجهی ندارد.

تعزیه نیز به عنوان هنری آیینی از این امر مستثنی نیست و علیرغم اینکه بسیاری از مدیران و مسئولان فرهنگی تعزیه را هنری ملی و مذهبی می دانند، تعزیه از داشتن موزه ای دائمی محروم است.

از روز سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ اتفاقی خوب اما موقت در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی رقم خورد و اول افتتاح نمایشگاه نسخ و ادوات تعزیه «شبیهِ حسین (ع)» در گالری ابوالفضل عالی است که در ذیل دومین سوگواره تعزیه خوانی «شبیهِ حسین (ع)» برگزار شده است.

در این نمایشگاه که با حضور کوروش زارعی مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، سعید اسماعیلی، توحید معصومی و مرشد محسن میرزاعلی به همراه تعدادی از مدیران حوزه هنری و هنرمندان و فعالان تعزیه افتتاح شد، بخشی از مجموعه نسخ و ادوات تعزیه که توسط مهدی دریایی پژوهشگر، نویسنده و تعزیه خوان گردآوری شده در معرض دید علاقه مندان قرار گرفته است.

بخشی از نمایشگاه «شبیهِ حسین (ع)» به البسه تعزیه اختصاص دارد که طی ای لباس های تعزیه بازار اراک، لباس های دست دوز دوران صفویه و همچنین البسه تعزیه دوران قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم به نمایش گذاشته شده است.

بخش ادوات تعزیه نیز یکی از بخش های جذاب و دیدنی این نمایشگاه است؛ از شمشیرها، زرها و کلاه خودهای دست ساز جنگی که وارد تعزیه شده اند، سربهای جنگی از جنس پوست کرگدن که قابلیت ترمیم خود را تنها با قرار گرفتن در آب دارند تا شمشیرها، زرها و کلاه خودهای دست ساز مختص تعزیه که در دوران صفویه و پهلوی اول ساخته شده اند و ادواتی که در دوران انقلاب اسلامی ساخته و مورد استفاده قرار گرفته اند.

در بخش ادوات تعزیه نمایشگاه «شبیهِ حسین (ع)»، شمشیرهایی نظامی نیز در معرض دید قرار گرفته اند که توسط نظامیان بازنشسته در دوران قاجار و پهلوی نذر تعزیه و مجالس تعزیه شده اند. نمایش وسایل دروایش که در تعزیه مورد استفاده قرار می گیرند، خنجرهای مختلف ایرانی از دوران صفویه و قاجار گرفته تا خنجرها و شمشیرهای روسی و انگلیسی اها شده به مجالس تعزیه و ادوات دیگر نظیر ساعد بند از دیگر جزئیات این نمایشگاه است.

در این بخش سر امام (ع) دست ساز از چوب و همچنین عروسک پارچهای شبیه علی اصغر (ع) که هر ۲ متعلق به دوران قاجار هستند و در مجالس تعزیه مورد استفاده قرار می گرفتند نیز در معرض دید مخاطبان قرار گرفته است. ماسک های مختلف از جمله شیر، دیو و جن نیز در این بخش نمایش داده شده اند.